

از قرآن چه میدانیم؟



علی مشکینی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلوة والسلام على نبيه وآله

ان اردتم عيش السعداء وموت الشهداء والنجاة يوم الضلالة فادرسوا القرآن فانه كلام الرحمان وحرزمن الشيطان ورجحان في الميزان (النبي صلى الله عليه وآله) *
قرآن کریم، این کتاب مبین که آیاتش محکم، ظاهرش زیبا، باطنش عمیق، احکامش استوار و استمرار و دوامش تضمین شده است یگانه کتاب آسمانی است که از تحریف و تغییر انسانها و از دستبرد هوی و هوس آنها محفوظ مانده است، بی بردن به عمق محتوی و مضامین عالی و دقائق معارف آن از حیطة قدرت مغزهای متفکر و افکار جامعه بشری بیرون است نه بدان معنی که پویندگان دانش دورش نگردند و اندیشه خویش را در پی جوئی معارف آن بکار نگیرند و از این دریای بیکران اگر همه را نتوانند، باندازه استعداد خویش بهره نبرند، که این تصور باطل است، چه آنکه خدای منان این نعمت عظیم را به افکار بشری اهدا فرموده و بسوی تفکر در غوامض و غور در حقایق و غوص در ژرفای دانش و علوم آن دعوت نموده و در خود آن کتاب نیز به این دعوت رسمی تصریح شده و عقول دانش پژوهان را در باره انتفاع از این خوان گسترده رهنمون گردیده.

لکن متأسفانه این بحر بی ساحل معارف و کان عظیم اسرار با وجود پیروانی بالغ بر یک میلیارد نفوس، میان اتباع خویش نیز مظلوم بوده و حد اقل بمقدار استعداد خود تحقیق و بررسی و استفاده از حقائق آن را بعمل نیاورده اند.

توهم نشود که در این مرحله علماء و مفسرانی بسیار در اطراف این کتاب زحماتی فوق العاده نکشیده و تحقیقاتی فراوان انجام نداده اند، لکن سخن در این است که نمی بایست تا حال تمام مسلمین جهان حداقل قرائت صحیح عبارت های آن را یاد میگرفتند، و اکثریت قاطعی آنها حفظ میکردند و اکثریت مطلق از تفسیر و توضیح آن برخوردار می بودند و سپس احکام و

برنامه‌های ذات‌الایعاد آن را در محیط خویش پیاده میکردند. آری لازم بود این گنجینه عظیم تا کنون که قریب ۱۴۰۰ سال از عمر پربرکت آن میگذرد به همه زبانهای مختلف جهان ترجمه شده و در اختیار جهانیان قرار میگرفت و مناسب نبود که برخی از کتب محرف به هزار زبان ترجمه شود و این کتاب مصون و متقن به صد زبان نیز ترجمه نگردد. از این رویجای آنکه فعلاً از معلومات خود در باره ابعاد مختلف این کتاب سخن بگوئیم متاسب آنکه از مجهولات بگوئیم و جهل مرکب را تبدیل به جهل بسیط نمائیم چه آنکه حد اقل در این صورت فهمیده‌ایم که نمی فهمیم.

بالجمله اموری را مطرح میکنیم که غالباً بحقائق آن پی نبرده‌ایم گرچه عده‌ای معدود در این رابطه به اطلاعاتی بنحو اجمال نائل آمده‌اند و در صدد ادراک کامل آن تا حد میسور میباشند، البته این امور از زبان توده جامعه مطرح میگردد و بعنوان درخواستی است از متخصصان فن تفسیر و آشنایان معارف قرآن و غواصان دریای بیکران آن که به وسیله تحقیق و کنجکاوی و استخراج و تصفیه و نشر این معارف، یادی از تشنگان دور افتاده حقائق بنمایند.

واینک مطالب مورد نظر را در قالب سوالات زیر می‌آوریم

۱ - آیا اولین سوره‌ای که بر قلب مبارک پیامبر اسلام نازل شد کدام است؟ فاتحه‌الکتاب است که فاتحه این کتاب است یا علق است، یا مدثر است یا توحید است؟ و یا همه این سوره یکجا فرود آمده‌اند؟ و یا آنکه سوره و یا سوره‌های دیگر است؟ و آیا این مطلب را که عده‌ای متعرض شده‌اند طرحش لازم است؟ و فوائد درک آن چه قدر است و مضار عدم تعرض و یا عدم توجه به آن در چه حد است؟

۲ - آخرین سوره‌ای که فرود آمده کدام است؟ در اینجا گفته شده که فهم این امر برای ما مفید است چه آنکه می‌فهمیم خاتمه بیانات حقیقتی و آخرین سخن حضرتش با بندگان خود و پایان ابلاغ رسولش چه بوده و آنحضرت در مقام اتمام گفتارش از طرف حق از کدامین موضوع سخن گفته و لب فرو بسته، آیا سوره مانده بوده و یا آیه (۶۷) از آن سوره و یا آیه ما قبل آخر از سوره انشراح و یا غیر اینها؟

۳ - سوره‌ها و آیه‌های قرآن کریم آیا به تناسب رویدادها و حوادث فرود آمده و یا به مناسبت زمانی خاص و یا مکانی خاص و یا آنکه در رابطه با حوادث آینده و برحسب تقدم و تاخر آنها و یا برونق انگیزه‌ها و علل دیگر؟ و اگر حوادث گذشته و یا آینده معلوم نشود لطمه‌ای به استفاده و استنباط مطلب میزند؟ و بالأخره شأن نزولهای سوره و آیات تا چه حدی در فهم و تفسیر آیات دخیل است.

۴ - سور و آیات این کتاب به چه وسیله به پیامبر بزرگ نازل گردیده و بچه طریق القاء شده و به تعبیر دیگر از مبدأ وحی و علم ازلی الهی تا وصول به مرحله نهائی آن که مغزها و دلهای جامعه است چند مرحله را پیموده‌اند؟ آیا صحیح است اینکه گفته میشود این کتاب اولاً از مبدأ وحی در لوح محفوظ مندرج و ثانیاً در قلب فرشته روح منتقش و ثالثاً در آسمان اول استنساخ و رابعاً بر قلب مطهر نبی اکرم (ص) القاء و خامساً بر زبان گوئی آنحضرت جاری و سادساً در دلهای مؤمنان و مستمعان وارد و سابماً در مرحله عمل بمقام عینیت رسیده‌اند و آیا همه آیات و سور چنین بوده و یا راههای دیگر و نزدیکتر نیز وجود داشته؟

۵ - البته این کتاب عظیم چندین نام دارد، و هر سوره‌ای از آن نیز دارای یک یا چند نام است و برخی از آیات آن نیز نامی مخصوص دارد آیا این اسما و القاب را خود حضرت حق وضع فرموده؟ و یا پیامبر گرامی و یا پیروان دین و متشرعین شرع آنحضرت؟ و آیا نامهای مزبور روی تناسب دقیق و براساس روابط خاص است و مثلاً انتخاب اسم رعد، حجر، زخرف، نمل، دخان، بروج، طارق، علق و غیره اسراری دارد؟ و آیا این موجودات در مقابل سائر اجناس و انواع جهان واجد اهمیت خاصی هستند؟ و آیا وقت نام گذاری کی بوده؟ در همان وقت نزول سور یا قبل از آن و یا بعد از آن؟

۶ - ترتیب فعلی سوره‌ها و بلکه آیه‌های قرآن همان ترتیب نزول است؟ و یا دقیقاً برعکس آن و یا آنکه نه آن است و نه این و به هر حال اگر بر خلاف ترتیب نزول است چرا و چگونه و به دست چه کسی تغییر یافته و بدین شکل درآمده است؟

۷ - بی تردید بر این کتاب شریف سوره و آیه‌ای از غیر خالق آن افزوده نگشته چنانچه مطمئیم از آن، آیات و سوری نیز حذف نشده لکن آیا تغییراتی کمتر از اینها نیز حاصل نشده؟ و اگر نشده منشأ قرائتهای مختلف چیست آیا همه قرائتها نسخه بدلهای لوح محفوظ اند و یا این مقدار از تغییر در اختیار خواننده است و اگر چنین است حدود آن چیست و آیا بر هر قرائتی همه احکام نسخه اصلی مرتب است؟

و به تعبیر دیگر اگر این کتاب کریم سور و آیات و الفاظش بنحو تواتر و به یک لفظ به ما رسیده است پس قراء سبعة و اختلاف قرائات یعنی چه؟ و آیا آنها کیستند و چرا و چگونه و از چه زمانی اختلاف قرائات پیدا شد؟

۸ - این کتاب که در مرحله اول، از زبان آورنده آن به جامعه القا میگردد بچه وسیله حفظ و نگهداری می شد آیا تنها در صفحه دلهای مستمعین انتقاش می یافت و زائل نمی گشت و از آن صفحه به صفحه مشابه آن و هم چنین؟ و یا در صفحات کاغذ و یا تخته و یا پوست بره و آهو

و یا سنگ و یا فلزی از فلزات و یابو همه این طرزها که برخی از سوره و آیات در آن و برخی در این بوده و به هر حال در کجا نگهداری میشده؟ و اگر لوحه ای می شکست و نقشی زائل می شد چه میکردند. و یا آنکه الواح مکرر بوده؟.

۹ - آیات این کتاب را آنگاه که مستمعین تلقی میکردند همه معانی و محتوای آن در نظر آنها مفهوم بوده؟ و اگر چنین است آیه ای که دقیقترین مفسر اسلامی در فهم و تفسیر ظاهر آن چندین صفحه تحقیق دارد و گاهی هم اظهار عجز از فهم آن میکند چگونه آنها مطلب را به راحتی استفاده میکردند و اگر چنین نیست آیا طوطی وار یاد میگرفتند و چگونه سوالاتی در اطراف آن انجام نمی گرفت و یا بسیار اندک انجام میگرفت؟.

۱۰ - تقسیم هر سوره ای به جملات محدود و فواصل معین و تسمیه هر یک به آیه و تحدید آیات به جدولی کوتاه و بلند و قرار دادن آنها در شماری مخصوص به تعیین چه کسی بوده؟ آیا از خود این کلام شریف استفاده میشود نظیر استاد قوافی شعر به سازنده آن و یا آنکه بواسطه توقف نمودن خود پیامبر بر سرآیه ها در هنگام قرائت بوده؟ و آیا عدد آیات در همان اعصار معین بوده و بالآخره اختلاف آیات از چه منشأ است؟.

۱۱ - بی تردید این کتاب بزرگ سراپا اعجاز است لکن آیا اعجاز آن در عبارتها و الفاظ آن است که به طرز زیبا و جالب، دلنشین و جاذب، فصیح و ملیح، شیرین و نمکین سروده شده، و یا در محتوی و معانی عمیق آن؟ و یا در توضیح رسا و حیرت انگیز آن در مبحث الهیات که در مقابل توحید تجسمی تورات، و ثنویت مانوی ایران، و تثلیث اکتومی انجیل، و تعدد انواع هند و غیر ذلک، توحید ذاتی آنچنان متین و معقول را مطرح نموده و ذات حق را عاری از تعدد و تجسم، و منزله از عوارض امکان، بر عقل سلیم بشری و خردهای بی شائیه انسانی ارائه داده؟ و یا در عرضه داشتن مجموعه قوانینی بنام شریعت مرکب از اصول عقائد و فنون اخلاق و فروع عمل که ملاحظه استحکام احکام و استقامت قوانین و متانت فروع آن هر عقل ژرف اندیش را متحیر نموده تحت تأثیر قرار میدهد و راههای خدشه و نقض و رد و ابطال را می بندد؟ و یا در اشاره به اسرار نهفته خلقت و دقائق رموز عالم هستی که در عصر نزول این کتاب افکار انسانها بدان توجه نداشتند همانند کرویّت زمین، حرکت وضعی و انتقالی آن، تلقیح نباتات به وزش بادها، رموز خلقت جنین در میان رحم، نشأت یافتن سلسله جانداران از موجود تک سلولی و آب متعفن و تبادل انواع آنها در مراحل تکامل؟.

و یا در اظهار نظر صائب و عمیق آن در مسائل علمی که بدان اشاره نموده، نظری که جز متخصصان بصیر و ژرف اندیش فن را میسور نگردد؟.

و یا در اخبارات غیبی و پیشگوییهای صادق آن که گذشت قرن‌ها و مرور زمانها شواهد صدق آنها را ظاهر و روشن نموده است؟

و یا در متانت احکام و برنامه‌های آن که قانونگذاری جهان در بلندای قامت زمان در برابر متانت قوانین و عمق حکم و مصالح آنها در شگفت و حیرت فرورفته اند؟

و یا در نقل صحیح قصص و سرگذشت اقوام و ملل که هر چه تحقیق و بررسی در اطراف آنها بیشتر و دقیق‌تر میشود ثبوت و ثبات و صحت و حقیقت آنها روشن‌تر میگردد؟

و یا در صادر شدن کتابی این چنین حیرت‌انگیز از انسانی آنچنان زیست کرده که در تمام عمر خویش قلم بدست نگرفته و مکتب نرفته و مدرسه ندیده باشد؟

و یا در تأثیر شگفت‌انگیز و غیر اختیاری آن که در دل‌های مستمعان و پیروان خود گذارده، آنها را حرکتی بدون سکون، قیامی بدون قعود، دوامی بدون زوال و حیاتی بدون مرگ بخشیده است؟

و یا در تحدی آن بدین معنی که در مقابل همه دانشمندان جهان قیام نموده و هل من مبارز گفته و دعوت به مقابله و آوردن مشابه آن و یا مشابه یک سوره آن را کرده است و احدی قدرت مقابله با آنرا پیدا نکرده؟

و یا در صرفه و منصرف نمودن دل‌ها و اراده‌ها از آنکه در صدد معارضه آن برآیند؟
و یا در عدم وجود اختلاف و تناقض در مضامین آن از ابتداء تا انتهای آن برخلاف کتابهای آسمانی محرف و سائر کتابهای بشری و مؤلف انسانها؟ و یا در همه این امور؟ و یا در غیر این امور؟

۱۲ - از دقت و تامل در وضع جهان آفرینش پیدا است که سنت جاریه الهی در باره خلقت همه اشیاء حرکت تدریجی و شروع از مبدأ و سیر تکاملی و توقف در منتهای محدود است چه در حرکت جوهری ذرات هستی و چه در حرکت‌های واقع در کم و کیف و این و مثنی و غیره.
حال سؤال اینکه آیا این سنت تکوینی در باره قرآن کریم نیز جاری است؟ و اگر جاری است آیا مبدأ حرکت در الفاظ آن که خود مخلوقی مستقل و موجودی عرضی و آلی است از کجا و مسیر حرکت کجا و منتهای آن کجا است؟ و آیا جریان این قانون در این کتاب همان است که گفته شده آیات اوائل بعثت کوتاه‌ترین آیات بوده و رفته رفته تکامل یافته و طولانی‌تر شده تا آنکه اطول آیات در مدینه نازل گشته و لذا می‌بینید آیات مکی کوتاه‌تر و مدنی بلندتر است و کاملاً فرق است ما بین آیات مدهامتان، کاساً دهاقاً، عذراً او نذراً، النجم الثاقب، و نظائر آنها از آیات مکیه و ما بین آیه ۲۸۲ از سوره بقره که در برخی از قرآنها یک صفحه کامل است و

همین قانون در سوره‌ها نیز جاری است و با ملاحظه سوره مدثر مکی که قریب یک صفحه و نیم و شامل ۵۶ آیه و سوره طلاق مدنی که دو صفحه است و شامل ۱۲ آیه می‌باشد و همین قانون در سوره‌ها نیز جاری است به شهادت سوره کوثر و بقره، اگر مطلب این است آیا کیفیت تکامل معنوی آن همان است که گفته میشود طرز تشریح احکام این کتاب نظیر آن است که اگر ماها میخواستیم بطور طبیعی فردی را به اسلام دعوت کنیم از اصول دین شروع کرده و در جزئیات فروع آن ختم میکردیم؟ و اگر مطلب این است باید بررسی کرد کدامین اصل از اصول و کدامین فرع از فروع مقدم بوده و کدامین مؤخر و آیا اگر سوره مائده آخرین سوره باشد همه احکام آن آخرین حکم و خاتمه دین است؟ و یا این قانون در موضوع علوم دیگری که این کتاب بدانها اشاره کرده جاری است؟

۱۳ - تردیدی در این نیست که در الفاظ این کتاب از نظر کیفیت دلالت، اختلاف است و بدین تناسب الفاظ آن را بنام‌های محکم، متشابه، عام، خاص، مطلق، مقید، ناسخ، منسوخ، مجمل، مبین، ظاهر، مأول، حاکم، محکوم و غیره تقسیم کرده‌اند. حال آیا مراد از این اصطلاحات چیست؟ و چرا همه ظواهر آن بکنواخت نیست و اگر کسی با این مفاهیم آشنا نشود آیا استفاده او از این کتاب ممنوع است؟ و اگر استفاده کرد چه ضرری متوجه میگردد؟.

۱۴ - اینکه میگویند ظواهر کلمات این کتاب برای مردم حجت نیست و کسی حق ندارد از آن استفاده و استنباط حکم نماید جز آنچه خود پیامبر بزرگ یا یکی از جانشینان معصوم آنحضرت تفسیر و توضیح داده باشند و به تعبیر دیگر استفاده از ظواهر قرآن منوط به بیان معصوم است و گرنه ممنوع و بحکم مجمل و مبهم و همانند کلمه (ق و ص و حم) است گرچه در نظر فرد مراجعه کننده ظاهر و روشن باشد و فقط نصوص و مصرحات آن قابل درک و استفاده احکام‌اند آیا مطلب چنین است؟ پس ملاک و میزان میان نصوص حجت و ظواهر غیر حجت چیست؟ و آیا در این صورت این کتاب پر خیر و برکت، معدن اسرار و کان معارف و دریای دانش، قلیل النفع نمی‌گردد؟ و بصورت صندوقی مقفل و معمائی لاینحل در نمی‌آید؟

۱۵ - گفته میشود بر فرض آنکه همه نصوص و ظواهر این کتاب قابل درک و استفاده باشد باز این عمل بی قید و شرط نیست بل شروط و قیودی در بین است که اگر همه یا برخی از آنها تحقق نیابد استفاده از آن ممنوع و حکم‌های حاصله غیر قابل اعتماد خواهد بود، مثلاً اگر کسی از علوم زیر یعنی لغت عرب، صرف، نحو، منطق، معانی و بیان، درایه، رجال، حدیث، کلام، و بویژه اصول فقه بهره وافی نداشته باشد نمی‌تواند از این نهر روان دانش و چشمه جوشان علم و معارف کفی بردارد و لیبی تر کند آیا مطلب چنین است؟ و اگر آری پس استفاده از این کتاب

در وسع همه طالبان معانی آن نبوده مخصوص عده‌ای معدود خواهد بود و اکثریت قاطع مسلمین و دانش پژوهان از آن بی بهره خواهند شد.

در خاتمه غرض از ذکر امور فوق اثبات این نیست که مسائل مزبور در جانی مطرح نشده و کسی در اطراف آنها فکری نکرده، چه آنکه میدانیم اشخاصی هستند در اطراف و جوانب اکثر این مسائل فکر کرده و مطالبی دریافته‌اند لکن کسانی هم هستند نیازمند درک و تحقیق و کشف واقع در باره این موضوعات میباشند به امید آنیم که دانشمندان معارف الهی به تشنه‌گان این آب زلال توجه فرمایند و با نشر دانش خویش که زکات آن است در زمره (من علم لله و عمل لله و علم لله دعی فی ملکوت السموات عظیماً) قرار گیرند.

خداوندا ما را آنچه‌تان کن که دوستانت بودند و بدانجا بر که آنها را بردی و آن ده که به آنها دادی.

والسلام علینا وعلی عبادالله الصالحین.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی